خبر

رئیس جمهور: تولیدکنندگان ایرانی دشمن را ناامید کردند

رئیس جمهور روز گذشته در همایش سالانه بازار سرمایه، باگرامیداشت یاد و خاطره بنیانگذار انقلاب اسلامی، رهبر شهید انقلاب اسلامی، فرماندهان نظامی، دانشمندان، مردم عزیز و دانش‌آموزان مظلومی که در جنگ اخیر به شهادت رسیدند، بر اهمیت نقش سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان در شکست اهداف دشمن در جنگ اخیر تأکید کرد و گفت: در جنگی نابرابر و ناعادلانه قرار داریم و گروهی قلدر، ستمگر و زورگو قصد داشتند کشور ما را ساقط کنند اما مردم نگذاشتند؛ نیروهای امنیتی و نظامی ما با قدرت پاسخ دادند و شما سرمایه‌گذاران، تولیدکنندگان و بازاریان نیز اقتصاد را به‌گونه‌ای مدیریت کردید که دشمن ناامید شد. دکتر مسعود پزشکیان با اشاره به هدف دشمنان از تحمیل جنگ اخیر و تشدید فشارها و تحریم‌ها، تصریح کرد: دشمن انتظار داشت در کشور قحطی ایجاد شده و بازار با کمبود کالا مواجه شود و براساس اصول، همه این اتفاقات باید ما را با قحطی مواجه می‌کرد یا مشکلاتی در بازار به‌وجود می‌آمد اما چنین اتفاقی نیفتاد و چرخ تولید همچنان در حال چرخش است. رئیس جمهور با قدردانی از تلاش فعالان اقتصادی در این برهه حساس و تاریخی کشور خاطرنشان کرد: در جنگی خاموشی قرار داریم که بسیار سخت‌تر از جنگی است که در آن موشک پرتاب می‌شود و تخریب صورت می‌گیرد؛ جنگی اقتصادی است که شما تلاشگران عرصه اقتصاد با آن سروکار دارید و جنگ ساده‌ای نیز نیست. دکتر پزشکیان با اشاره به تلاش‌های فعالان اقتصادی برای حفظ جریان تولید و تأمین نیازهای بازار گفت: این‌که عده‌ای می‌گویند همه چیز خوب است، بله خوب است اما با تلاش و زحمات و کوشش شما این مهم محقق شده است. دکتر پزشکیان در ادامه تأمین پایدار انرژی مورد نیاز بخش تولید را از اولویت‌های دولت دانست و گفت: در حال تلاش و برنامه‌ریزی هستیم تا تأمین برق، گاز و سایر انرژی‌های مورد نیاز تولید در فصل زمستان با کمترین اختلال مواجه شود. با توجه به ناترازی‌های موجود و احتمال تشدید محدودیت‌ها در ماه‌های پیش‌رو، مجموعه‌ای از اقدامات و برنامه‌ها برای مدیریت شرایط و جلوگیری از بروز مشکلات در حال پیگیری است.

غریب‌آبادی: مواد غنی‌شده از ایران خارج نخواهد شد

معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ضمن تاکید بر این‌که هر اقدامی لازم باشد برای شکستن محاصره اقتصادی انجام خواهیم داد، به تشریح جزئیات سفر هیأت قطری به ایران پرداخت. کاظم غریب‌آبادی روز گذشته در جمع خبرنگاران، درباره زمان‌بندی دو ساعته اعلام شده از سوی وزیر امور خارجه گفت: منظور از دوساعت، دوروز یا هفت روز، یک دوره زمانی است که آمریکا بتواند تعهداتش را انجام دهد؛ مفهوم آن این است که هر وقت آمریکا بتواند آن الزاماتی را که جمهوری اسلامی ایران مقرر کرد، انجام دهد؛ حال چه در دو ساعت باشد یا دو روز یا پنج روز یا هفت روز با توجه به این که ما طرح پنج روزه و هفت روزه هم داشته‌ایم) هر وقت (آمریکا) بخواهد انجام دهد، جمهوری اسلامی ایران هم تنگه‌هرمز را می‌تواند باز کند. وی گفت: راستی‌آزمایی آن الزامات و تعهداتی که آمریکا در واقع باید برآورده کند، امری آسان است؛ یعنی این راستی‌آزمایی کار سختی نیست که بخواهد نیاز به زمان داشته باشد. وی توضیح داد: مواردی که آمریکا باید انجام دهد روشن است و درباره آنها صحبت کرده‌ایم، مثل رفع محاصره اقتصادی که امری ملموس است؛ یعنی شما در همان روز می‌توانید متوجه شوید که آیا محاصره برداشته شده است یا خیر؟ یا رفع پول‌های بلوکه‌شده ایران و این‌که آیا می‌توانیم در همان روز تصمیم بگیریم که آیا این پول‌ها در اختیار ایران قرار گرفته یا خیر و ایران دسترسی به این وجوه دارد یا خیر؟ غریب‌آبادی تصریح کرد: همچنین موضوع‌های دیگری مانند توقف جنگ در همه جبهه‌ها که مهم‌ترین موضوع است. معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه درباره مذاکره در مورد ذخایر اورانیوم، تاکید کرد: مذاکرات هنوز آغاز نشده است تا ما بتوانیم راجع به موضوع‌های مختلف و جزئیات این مسائل فنی صحبت کنیم؛ طبیعتا اگر مذاکراتی شکل بگیرد جزئیات این مسائل فنی هم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، ولی اصلی که وزیر امور خارجه درباره عدم خروج مواد غنی‌شده ایران مطرح کرد، یک اصل است؛ زیرا ایران این ذخایر را برای نیازهای داخلی خودش می‌تواند استفاده کند.وی اضافه کرد: اگر ما اینها را از کشور خارج کنیم، پس برای تامین نیاز رآکتورهای خود باید دست‌مان را به سوی کشورهای دیگر دراز کنیم؛ جزئیات این مسأله مربوط به آغاز مذاکرات است.

شهرهای موشکی جدید و رونمایی از سامانه‌های تازه؛ پیام روشن نیروهای مسلح از آمادگی برای مراحل بعدی تقابل

شگفتانه‌های مرعوب‌کننده در انتظار دشمن



مهدی سیف‌تبریزی
گروه سیاسی

سرلشکر احمد وحیدی، فرمانده‌کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، روز شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۵ در همراهی با سردار سرتیپ سیدمجید موسوی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه، از یکی از شهرهای موشکی جدید این نیرو بازدید کرد؛ بازدیدی که هم به‌دلیل رونمایی از فناوری‌های تازه و هم به‌سبب لحن صریح و هشدارآمیز دو فرمانده ارشد نظامی، بلافاصله در کانون توجه محافل راهبردی قرار گرفت. سرلشکر وحیدی در حاشیه این مراسم، به اعتراف دبیرکل ناتو درباره انجام ۵۰۰۰ سورتی پرواز از سوی کشورهای عضو این پیمان اشاره کرد و با تأکید بر این‌که همه اعضای این ائتلاف در صحنه حضور داشته‌اند، تصریح کرد که اتفاقات پیش‌رو برای طرف‌های مقابل «تازه ابتدای کار است». در همین چارچوب، سردار سرتیپ سیدمجید موسوی نیز با اعلام آمادگی کامل نیروی هوافضا در همه ساحت‌های مأموریتی، از جهش توانمندی‌های این نیرو در فاصله میان دو جنگ و ورود «شگفتانه‌های مرعوب‌کننده، بازدارنده و منهدم‌کننده» به سازمان رزم خبر داد و گفت: «میدان در اختیار ماست، صحنه نبرد را ما تعیین می‌کنیم و در اعمال قدرت هیچ درنگی وجود نخواهد داشت.» مهم‌ترین بخش فنی این رویداد نمایش نخستین پرتابگر دوموشکی با قابلیت حمل و شلیک هم‌زمان دو موشک سوخت مایع و مجموعه‌ای از موشک‌های ارتقایافته بود.»

اما قدرت‌نمایی تهران در سی‌ام آبان تنها به نمایش تسلیحات در عمق زمین محدود نماند و هم‌زمان در آب‌ها و آسمان تنگه هرمز نیز ترجمان عملیاتی یافت. براساس گزارش‌های منتشرشده از سوی سپاه پاسداران، ارتش آمریکا جمعه‌شب با آرایش هوایی سنگین شامل هواپیماهای سوخت‌رسان، جنگنده‌های اف-۱۶، اف-۱۸ و اف-۳۵، هواپیماهای گشت دریایی پی-۸ پوسایدون، چندین فروند بالگرد و پهپادهای شناسایی ـ رزمی سری ام‌کیو کوشید پوشش لازم را برای عبور غیرمجاز تعدادی نفتکش و انتقال سوخت از تنگه هرمز فراهم کند. با این حال، چتر گسترده هوایی واشنگتن مانع از زمینگیر شدن این عملیات نشد و دو فروند نفتکش در محدوده جنوبی تنگه هرمز نخست در دهانه بندر خصب و دیگری بامداد شنبه در فاصله حدود سه‌کیلومتری سواحل جزیره غنم به‌دلیل خاموش کردن سامانه‌های ناوبری و انتخاب مسیرهای غیرمجاز، با مین‌های دریایی برخورد کرده و دچار انفجار و آتش‌سوزی شدید شدند. نیروی دریایی سپاه بلافاصله اعلام کرد که تردد هیچ شناوری در خلیج‌فارس و تنگه هرمز از رصد این نیرو پنهان نیست و هرگونه عبور بدون هماهنگی با مرکز کنترل تردد، به‌عنوان همکاری عملیاتی با ارتش آمریکا تلقی شده و با واکنش قاطع مواجه خواهد شد.

در لایه هوایی نیز سامانه‌های نوین پدافند هوایی نیروی هوافضای سپاه طی عملیاتی پیوسته، تقلای نیروهای آمریکایی برای برتری اطلاعاتی در منطقه را با چالشی جدی روبه‌رو کردند. در گام نخست، یک فروند پهپاد پیشرفته ام‌کیو-۹ که مأموریت مراقبت و پشتیبانی هوایی از عملیات نفتکش‌ها را در غرب تنگه هرمز برعهده داشت، رهگیری و سرنگون شد و اندکی بعد نیز یک فروند پهپاد ام‌کیو-۱ در آسمان جزیره سیریک هدف آتش دقیق پدافند قرار گرفت. به این ترتیب تهران عملا در همان روزی که از شهر موشکی جدید خود پرده برداشت، کنترل میدانی خود بر سطح آب و آسمان این گلوگاه راهبردی را به رخ کشید.

هم‌زمانی معنادار رونمایی از تسلیحات جدید زیرزمینی، نشانه رفتن مستقیم نقش ناتو در معادلات نظامی و اعمال اقتدار عملیاتی در تنگه هرمز، نشان می‌دهد که ایران در حال رونمایی از یک دکترین بازتنظیم‌شده برای مدیریت بحران و نبرد احتمالی آینده است. در مطالعات راهبردی، چنین هم‌افزایی میان «نمایش توانمندی فناورانه»، «کنش میدانی قاطع» و «تغییر در ادبیات بازدارندگی» پیامی روشن به اتاق‌های جنگ در واشنگتن و پایتخت‌های اروپایی مخابره می‌کند؛ دوران تنش‌های مهارشده در چارچوب دلخواه غرب به پایان رسیده و تهران خود را برای تعریف قواعد، جغرافیا و سطح پاسخ در هرگونه رویارویی تازه آماده کرده است.

تغییر سازمان رزم؛ شگفتانه‌های موشکی برای نبرد جدید

یکی از مهم‌ترین پیام‌های بازدید اخیر، تأکید بر تغییرات صورت‌گرفته در سازمان رزم نیروی هوافضای سپاه طی فاصله میان دو جنگ است. در واقع، آنچه در شهر موشکی به نمایش در آمد، تنها مجموعه‌ای از موشک‌ها و تجهیزات جدید نبود، بلکه نشانه‌هایی از تغییر در شیوه تولید، استقرار و به‌کارگیری قدرت موشکی ایران را نیز در خود داشت. نمایش پرتابگر دو موشکی با قابلیت حمل و شلیک همزمان دو موشک سوخت مایع، مهم‌ترین جلوه این تحول محسوب می‌شود؛ قابلیتی که پیش از این در نمونه‌ای با موشک‌های سوخت جامد نیز در میدان عملیاتی به نمایش درآمده بود.

اهمیت این تغییر را باید در چارچوب رقابت موشکی ایران با شبکه گسترده پدافند هوایی آمریکا و متحدانش بررسی کرد. در جنگی که بخش مهمی از محاسبات نظامی واشنگتن بر توان رهگیری و انهدام موشک‌های ایرانی استوار است، افزایش ظرفیت شلیک و امکان ایجاد موج‌های متراکم‌تر موشکی می‌تواند فشار بیشتری بر سامانه‌های دفاعی طرف مقابل وارد کند؛ به‌ویژه آن‌که پرتاب همزمان چند موشک از یک سکوی پرتاب، در صورت برخورداری از آمادگی عملیاتی و هماهنگی مناسب، امکان افزایش حجم آتش بدون افزایش متناسب تعداد پرتابگرها را فراهم می‌کند. این تحولات را باید در پیوند با تجربه جنگ قبلی ارزیابی کرد. جنگ پیشین، فارغ از میزان خسارات واردشده به طرفین، یک واقعیت را برای هر دو طرف آشکار کرد؛ برتری هوایی و فناوری نظامی به‌تنهایی تضمین‌کننده پیروزی نیست و طرفی که بتواند توان تهاجمی خود را حفظ کند، سازمان رزمش را سریع‌تر بازسازی کند و ظرفیت‌های جدیدی را وارد میدان کند، از قدرت بیشتری برای تغییر موازنه برخوردار خواهد بود. از همین‌رو، تأکید بر شکل‌گیری محصولات جدید در فاصله میان دو جنگ، بیش از آن‌که یک اعلام آمادگی معمول باشد، بیانگر تلاش ایران برای عبور از الگوهای عملیاتی گذشته و ورود به مرحله‌ای تازه از بازدارندگی است. در این میان، عبارت تعیین صحنه نبرد از سوی ایران، کلید فهم راهبرد جدید تهران است. در منطق نظامی، طرفی که بتواند جغرافیا، دامنه و هزینه‌های درگیری را بر دشمن تحمیل کند، بخشی از ابتکار عمل را در اختیار خواهد داشت. آمریکا همواره تلاش کرده با تکیه بر برتری هوایی و دریایی، جنگ را در چارچوبی مدیریت‌پذیر و با اهداف محدود پیش ببرد اما ایران به‌دنبال آن است که این چارچوب را تغییر دهد. ترکیب قدرت موشکی، توان پهپادی، ظرفیت‌های دریایی و موقعیت ژئوپلیتیکی تنگه هرمز، ابزارهایی هستند که می‌توانند محاسبات واشنگتن را با محدودیت‌های جدی مواجه کنند.

بنابراین پیام نمایش اخیر این است که هرگونه ارزیابی از توان نظامی ایران براساس شرایط پیش از جنگ گذشته، دیگر نمی‌تواند مبنای مطمئنی برای تصمیم‌گیری باشد. تهران در فاصله میان دو جنگ، فرصت را به بازسازی صرف اختصاص نداده، بلکه در پی افزایش ظرفیت عملیاتی و تغییر کیفیت پاسخ نظامی خود بوده است.

گسترش جغرافیای بازدارندگی

اما شاید مهم‌ترین پیام سیاسی و راهبردی اظهارات مطرح‌شده در بازدید اخیر، هشدار درباره نقش کشورهای عضو ناتو در جنگ علیه ایران باشد. اشاره به سخنان دبیرکل ناتو درباره انجام ۵۰۰۰ پرواز توسط کشورهای عضو این پیمان، صرفا یادآوری مشارکت پشتیبانی متحدان آمریکا در جنگ گذشته نیست؛ بلکه می‌تواند نشانه تغییر در تعریف ایران از بازیگران دخیل در یک تجاوز نظامی باشد. تأکید بر این‌که این رقم تنها بخشی از مشارکت اعلام‌شده است و کشورهای عضو ناتو در ابعاد مختلف در عملیات حضور داشته‌اند، نشان می‌دهد تهران دیگر صرفا به تفکیک میان طرف مستقیم جنگ و پشتیبانان آن بسنده نمی‌کند. این موضوع از منظر راهبردی اهمیت زیادی دارد. در جنگ‌های مدرن، مشارکت نظامی الزاما به معنای حضور مستقیم نیروهای رزمی در میدان نیست. استفاده از پایگاه‌های هوایی، تأمین سوخت، پشتیبانی اطلاعاتی، انتقال تجهیزات، ارائه داده‌های شناسایی و تسهیل عملیات نظامی، همگی می‌توانند در نتیجه یک جنگ نقش تعیین‌کننده داشته باشند. از این منظر، هشدار ایران به کشورهای عضو ناتو را باید تلاشی برای تغییر محاسبات امنیتی متحدان آمریکا دانست؛ به این معنا که مشارکت در عملیات علیه ایران، حتی اگر از فاصله جغرافیایی قابل توجهی انجام شود، لزوما به معنای مصون ماندن از پیامدهای آن نخواهد بود. این رویکرد در واقع به دنبال فرامنطقه‌ای کردن بازدارندگی ایران است. تهران می‌خواهد این پیام را منتقل کند که اگر آمریکا بار دیگر تصمیم به حمله نظامی بگیرد،

دامنه پاسخ صرفا به پایگاه‌های نظامی این کشور در خلیج‌فارس و غرب آسیا محدود نخواهد ماند و هر بازیگری که در تهاجم مشارکت مؤثر داشته باشد، باید احتمال ورود به معادله پاسخ را در محاسبات خود لحاظ کند. چنین موضعی می‌تواند هزینه همراهی با واشنگتن را برای دولت‌های اروپایی افزایش دهد؛ به‌ویژه کشورهایی که از یک‌سو در ساختار امنیتی ناتو حضور دارند و از سوی دیگر، نسبت به گسترش جنگ و تبعات اقتصادی و امنیتی آن در اروپا نگرانی دارند. اهمیت این هشدار زمانی دوچندان می‌شود که آن را در کنار تغییرات احتمالی در برد، دقت و ظرفیت عملیاتی موشک‌های ایران قرار دهیم. توسعه توان موشکی در کنار اعلام آمادگی برای پاسخ به مشارکت‌کنندگان در تجاوز، به معنای گسترش دامنه جغرافیایی بازدارندگی است. در واقع ایران می‌کوشد فاصله جغرافیایی را از یک عامل اطمینان‌بخش برای متحدان آمریکا به یک متغیر غیرقابل اتکا تبدیل کند. این همان تغییری است که می‌تواند معادلات امنیتی ناتو را در هرگونه رویارویی آینده تحت‌تأثیر قرار دهد. در حقیقت، ایران با پیوند دادن قدرت موشکی به ظرفیت‌های دریایی و ژئوپلیتیکی خود، در حال تعریف یک معادله چندلایه برای بازدارندگی است؛ معادله‌ای که در آن نه‌تنها پایگاه‌های نظامی آمریکا، بلکه زیرساخت‌های پشتیبانی، مسیرهای انتقال انرژی و حتی مشارکت‌کنندگان فرامنطقه‌ای در جنگ نیز می‌توانند در محاسبات پاسخ قرار گیرند. این همان پیامی است که هشدار درباره نقش ناتو را از یک موضع‌گیری سیاسی به بخشی از راهبرد نظامی ایران تبدیل می‌کند. در نهایت، بازدید فرمانده کل سپاه از شهر موشکی را باید در چارچوب یک تحول بزرگ‌تر ارزیابی کرد؛ ایران در فاصله میان دو جنگ در حال بازتعریف قدرت نظامی و جغرافیای بازدارندگی خود است. نمایش استقلال سامانه‌های موشکی و تأکید بر تعیین صحنه نبرد، همگی در خدمت یک هدف قرار دارند؛ جلوگیری از آن‌که آمریکا بتواند بار دیگر جنگی را با اهداف و محدوده دلخواه خود آغاز کند. پیام تهران به واشنگتن و متحدانش نیز روشن است؛ این بار اگر جنگی آغاز شود، نه جغرافیای آن صرفا در اختیار آمریکا خواهد بود و نه کشورهای مشارکت‌کننده در آن می‌توانند با اتکا به فاصله از میدان نبرد، خود را از پیامدهایش مصون بدانند.

یادداشت

رضا شاهرودیان
جانشین سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج

اهمیت نهضت روایتگری در جنگ شناختی

امام سیدمجتبی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، جنگ اخیر را در یک هندسه سه‌ضلعی ترسیم کردند که یک ضلع آن حوزه نظامی و عرصه نظامی جنگ است، ضلع دیگر آن بُعد فناورانه جنگ و قاعده این هندسه نیز نبرد و جنگ فرهنگی ـ اجتماعی است. در عرصه فرهنگی ـ اجتماعی، جنگ شناختی مطرح است و با توجه به مفهوم و تعریف جنگ شناختی، نخستین لایه درگیری در این عرصه، جنگ روایت‌هاست؛ روایت از واقعیت‌های صحنه و واقعیت‌های میدان. همان‌طور که شاهد بودیم، در دفاع مقدس سوم، همزمان با وقایع و تهاجم دشمن آمریکایی ـ صهیونیستی، حمله به بیت مقام معظم رهبری و به شهادت رسیدن ایشان و فرماندهان و سایر اتفاقات در روز نخست، شنبه ۹ اسفند، دشمن از طریق ایران اینترنشنال و رسانه‌های دیگر، عملیات رسانه‌ای جنگی خود را با شدت تمام آغاز کرد. اگر آن بُعد شناختی مردم نسبت به مفاهیم بنیادین انقلاب اسلامی وجود نداشت، چه بسا دشمن با توجه به این‌که صحنه نظامی را مطابق تفکر و محاسبات خودش آماده کرده بود، می‌توانست با یک تهاجم و شبیخون غافلگیرانه، شرایط را بر ما مستولی کند. اما بُعد شناختی مردم به کمک آمد؛ مردمی که در شهرهای مختلف، از نخستین روزهای دفاع مقدس سوم، ایستادگی و در کوچه‌پس کوچه‌های شهرها مقاومت کردند. این روایت مقاومت و ایستادگی باید به دیگران نیز منتقل می‌شد. باید روایت می‌کردیم که مردم در فلان محله ایستادند، در فلان نقطه به این شکل مقاومت کردند و در نقطه‌ای که مورد تهاجم دشمن قرار گرفته و ساختمانی بمباران شده بود، چگونه جانفشانی کردند؛ مجروحان و شهدا را چگونه از صحنه خارج کردند، در بخش‌های دیگر چگونه ایست‌بازرسی برپا و امنیت را کنترل کردند و آنها چگونه به دیگران خدمات ارائه دادند.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

یادداشت

دکتر فاضل علی | فعال رسانه‌ای عراقی

افول آمریکا پس از جنگ ایران

ممکن است خاورمیانه پس از جنگ واشنگتن و تهران دیگر در قلمرو هژمونی یکجانبه آمریکا نماند اما از دایره نفوذ غرب و به‌ویژه آمریکا بیرون نخواهد رفت. بی‌تردید خاورمیانه پس از این جنگ مانند پیش از آن نیست. بسیاری از امور در سطح منطقه‌ای و جهانی دگرگون شده است. حتی تصویر آمریکا و هیبت آن نیز دیگر همانی نیست که بود. با این همه، آمریکا بیش از هر زمان دیگری می‌خواهد در این منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بماند. خروج از منطقه برای او هم به زبان عقل و منطق و هم در ترازوی منافع و محاسبات منتفی است. احتمال دارد آمریکا ناگزیر شود تا اندازه‌ای عقب بنشیند، هم در گستره حضور و استقرار خود و هم در توانایی‌اش برای اثرگذاری بر رویدادهای منطقه. اما این عقب‌نشینی برای سازگاری با اوضاع تازه است، نه خروج. آمریکا برگ‌ها و اولویت‌هایش را از نو سامان می‌دهد. آمریکا هنوز بزرگ‌ترین و نیرومندترین امپراطوری تاریخ است و بزرگ‌ترین دولت، اقتصاد و ارتش جهان را در اختیار دارد اما این امپراطوری بیش از اندازه گسترده و متورم شده و زیر بار انبوهی از هزینه‌ها و مسئولیت‌ها، فرسوده شده است. از همین‌رو ممکن است آمریکا به بازآرایی سیاسی در منطقه روی آورد و همچنان در صدر قدرت‌های بین‌المللی بماند. او به‌سوی بازسازی شبکه ائتلاف‌ها و مشارکت‌های منطقه‌ای در بستر نظام منطقه‌ای جدید پیش می‌رود. اسرائیل و بسیاری از بازیگران دیگر نیز در کنار او در این نظام منطقه‌ای دورگه حضور خواهند داشت. همچنین ممکن است واشنگتن به بازاستقرار نظامی در خاورمیانه و به‌ویژه در خلیج‌فارس دست بزند. پایگاه‌های آمریکا در منطقه نه توانستند از خود دفاع کنند و نه از متحدانش، یعنی «اسرائیل» و بسیاری از دولت‌های عربی. از این‌رو، رویارویی با چالش‌ها و تهدیدهای منطقه‌ای، به باری بر دوش واشنگتن بدل شده است. در این زمینه باید میان حضور سیاسی و حضور نظامی آمریکا تمایز قائل شد. هر دو از ارکان سیاست خارجی و نفوذ آمریکا در منطقه‌اند. این تمایز بحث درباره مؤلفه‌ها، اشکال، مرزها و گستره نفوذ آمریکا را ممکن می‌کند. به این معنا ممکن است در جریان شکل‌گیری نظام منطقه‌ای جدید، شاهد برآمدن برخی بازیگران و افول برخی دیگر باشیم. آمریکا، ایران، اسرائیل، عرب‌ها و قدرت‌هایی چون روسیه، چین، مصر، ترکیه، عربستان سعودی و پاکستان در این نظام حاضرند. داوری درباره چگونگی ثبات منطقه و شکل‌گیری معادلات و توازن‌های آن آسان نیست، چرا که جنگ هنوز پایان نیافته است. تا زمانی که مه کنار برود و غبار نبرد فروبنشیند، همگان باید در آینده‌نگری از اغراق بپرهیزند. در یک‌سو جریانی است که به نابودی تجربه دوگانه ایران با انقلاب و جمهوری فرامی‌خواند و در سوی دیگر جریانی است که برای فروپاشی ایالات متحده نظریه‌پردازی می‌کند!

یادداشت

سعدالله زارعی | استاد دانشگاه

جلسه سه‌جانبه یا ۳ میز موازی

جلسه روز پنجشنبه رؤسای جمهور چین، روسیه و آمریکا که در حاشیه اجلاس سالانه اپک ـ اجلاس همکاری‌های آسیا و اقیانوسیه ـ برگزار شد، نمایی از تمایلات و دستورکارهای مجزا و موازی بود. بعضی با پیشداوری به آن عنوان «نشست سه‌جانبه حساس و بی‌سابقه» دادند و بعضی هم آن را زیاد از حد برجسته کرده و با اجلاس سه‌جانبه سران پیروز جنگ جهانی دوم در یالتا در سال ۱۹۴۵ مقایسه کردند، در حالی که هیچ‌یک از سه کشور در سال ۲۰۲۶ در آن موقعیت نبودند. در این نشست نه از تقسیم غنایم و نه از تقسیم حوزه نفوذ خبری بود، شاید از این جهت که چیزی برای تقسیم و تفاهم وجود نداشت. بیانیه وزارت امور خارجه چین هم که فعلا تنها سند قابل استناد این نشست سه‌جانبه است، به ذکر موارد خیلی کلی بسنده کرد و بیشتر متن آن به انعکاس مواضع شی جین پینگ، رئیس جمهور چین اختصاص داشت. در این بیانیه گفته شد سه کشور بر تعهد خود به اصلاح سازمان ملل تاکید کردند تا این نهاد در رسیدگی به چالش‌های جهانی کارآمدتر عمل کند. وزارت امور خارجه چین در این بیانیه در مورد فلسفه تشکیل این نشست در یک عبارت خیلی کلی گفت: این نشست با محوریت حفظ صلح جهانی و تقویت ثبات راهبردی در روابط قدرت‌های بزرگ برگزار شد. براساس این بیانیه، شی سه کشور را به‌عنوان قدرت‌های اصلی جهان خوانده و خواستار حفظ کانال‌های ارتباطی میان آنان در سطوح مختلف برای مدیریت و پیشگیری از بحران شده است. اجلاس سه‌جانبه در فضایی برگزار شد که چین خود را در موقعیتی ببیند که برای گفت‌وگویی سیاسی و با ترسیم چشم‌انداز روابط اقتصادی خود با دو دولت مدعی بین‌المللی میزبان آنان باشد اما واقعیت این است که نه آمریکای درگیر با انواعی از چالش‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن‌چنان افق ثباتی دارد که بتواند به‌عنوان یکی از سه کشور مدنظر شی جین پینگ، به ایده اصلاح نظام بین‌الملل کمک کند و حتی برای آن انگیزه‌ای داشته باشد و نه روسیه درگیر با بحران امنیتی در اطراف مرزهای غربی خود آمادگی دارد تا به ایده چین کمک کند و این در حالی است که نسبت به پیوستن به ایده چین در اصلاح حداقلی نظمی غرب‌ساخته اصلا خوشبین نیست. پوتین در فکر نظمی است که حفظ امنیت در آن بر توافق اقتصادی اولویت دارد. چین هم که در این نشست خود را یکی از سه قدرت اصلی جهان خواند، بیش از حد یک بعدی است و فاقد جاذبه‌های یک قدرت مؤثر در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی است. به‌عنوان مثال چین تاکنون حل‌کننده و حتی کاهش‌دهنده هیچ تنش بین‌المللی و حتی منطقه‌ای نبوده است. آنچه نشست سه‌جانبه شنژن را آشکار کرد این بود که سه کشور برای ایجاد ساخت جدیدی در اداره جهان و حتی اصلاح نظم پیشین فاصله زیادی با هم دارند و حد توانایی‌شان کمتر از آن است. بعد از نشست پنجشنبه (مثل پیش از آن) سه کشور بر روابط دوجانبه با کشورهای دیگر تمرکز بیشتری خواهند داشت تا پیگیری عبارت‌های خیلی کلی که هرکدام در این نشست بیان کرده‌اند.